

باد
خجسته
سال نو





این عید پر از عطر دل انگیز خداست
سرشار ترین آینه‌ی خاطره هاست
نوروز خوشتر همیشه رنگین باشد
آراسته با دلی که همراه خداست
دختر گلم سال ۱۴۰۵ بر شما و خانواده‌ی محترم مبارک باد.



رنگ آمیزی

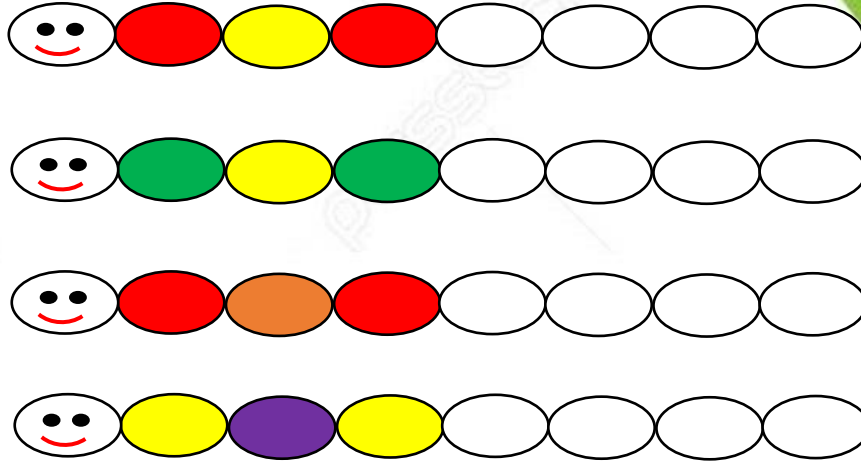
سلام و صد سلام به دختر خوبم؛

این نقاشی زیبا، سفره‌ی هفت سین است. هر طور که دوست داری آن را رنگ آمیزی کن.




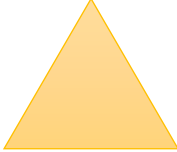
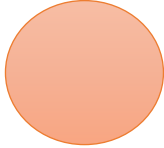
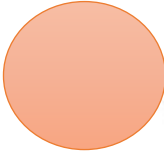

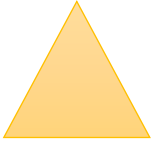
دوست عزیزم؛

رنگ کرم بازیگوش را مثل الگو کامل کن.



الگویابی

دختر گلم؛ جدول زیر را کامل کن. در هر ردیف از هر شکل فقط یک عدد قرار بگیرد.

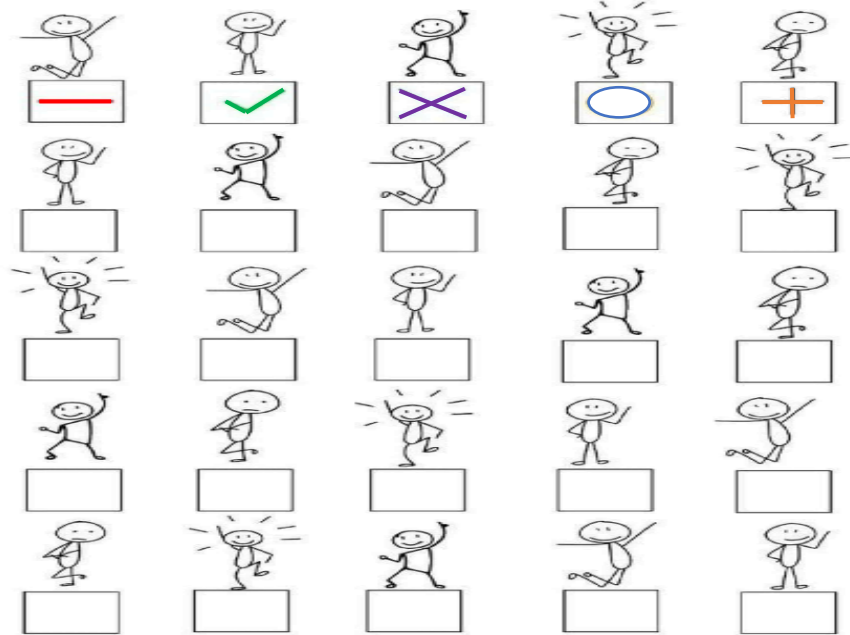
		
		
		

سودوکو

پرش

دختر باهوش؛

داخل هر مربع اشکال مناسب را بکش.



دختر هنرمند؛

با یک کاغذ رنگی یا فوم یا نمد گل های زیبا درست کن و به اطرفیانت
عیدی بده.

کاردستی



شعر بهار

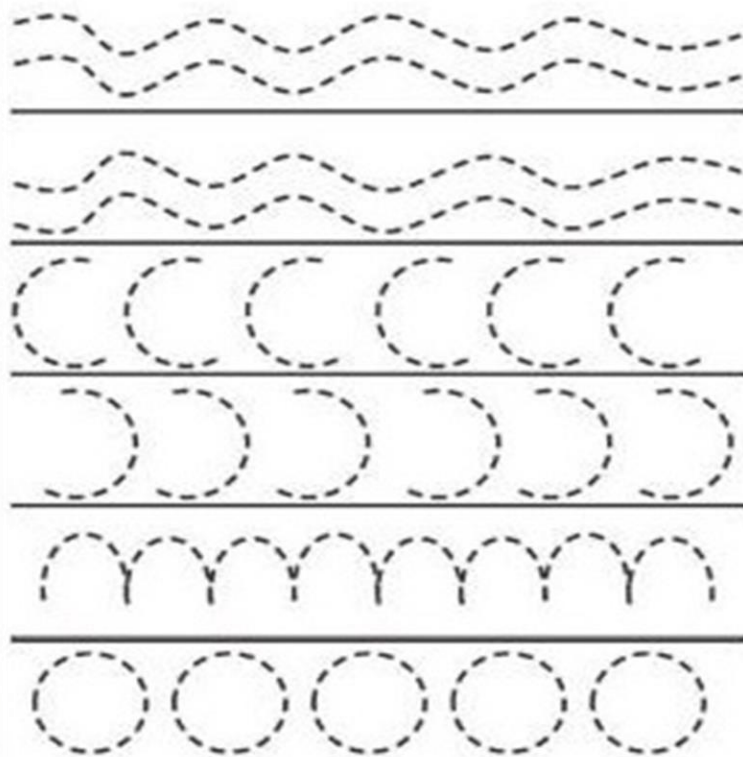
خبر خبر خبردار
یکی دو تا نه، ده تا
به برف و سرما گفته
خبر خبر شبانه
دوباره بر سرش بست
به روی شاخه ای ساخت
خبر خبر خبرهاست
کدام را بگویم؟

گل اومده به بازار
نه ده، نه صد، چه بسیار
برو خدا نگهدار
درخت زده جوانه
شکوفه دانه دانه
پرستو آشیانه
میان باغ غوغاست
که هرچه هست زیباست



دست ورزی

عزیز دلم؛ نقطه چین ها را پر کن.



آشپزی

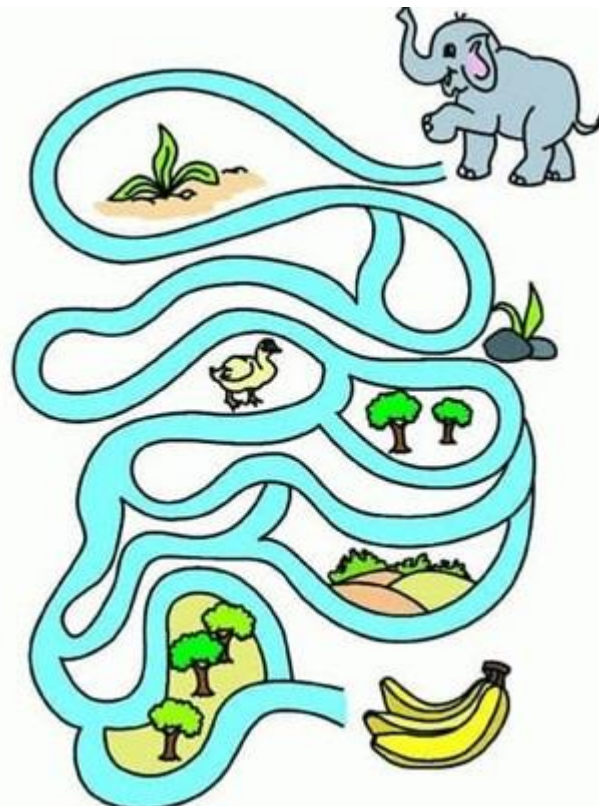
مامان کوچولو؛

گوشی همراه مامان یا بابای مهربان را بردار. دوربین گوشی را روی کیو آر کد زیر بگیر و یک دسر خوشمزه برای خانواده درست کن.



دختر گلم؛

فیل کوچولو خیلی گرسنه هست. به او کمک کن تا به غذایش برسد.



ماز

به نام خدا

در یک روستای کوچک و قشنگ، پیو، خرگوش کوچولوی خاکستری، توی لانه دنجش نشسته بود و با ناراحتی به آسمان نگاه می کرد. ماه رمضان داشت تمام می شد و پیو دلش برای سحرها و افطارهای قشنگ تنگ شده بود.

پیو با خودش فکر کرد: «فردا صبح، دیگر خبری از صدای طبل سحر نیست. چه روز غمگینی!» همین طور که غمگین بود، مامان خرگوشه آمد و کنارش نشست. دستش را نوازش کرد و گفت: «پیو جان! چرا این قدر ناراحتی؟ مگر نمی دانی فردا روز خیلی بزرگی است؟ فردا عید فطر است! روز جایزه!»

پیو با تعجب پرسید: «جایزه؟ یعنی چی مامان؟» مامان خرگوشه لبخند زد و گفت: «تو در این ماه، به خدا نزدیک تر شدی، به فکر دیگران بودی و کارهای خوب زیادی انجام دادی. حالا خداوند به همه بچه های روزه دار یک جایزه بزرگ می دهد. فردا روز شادی و خوشحالی است.»

چشمان پیو از خوشحالی برق زد. «پس فردا قراره چه کار کنیم مامان؟» مامان خرگوشه لیستی از کارهای فردا را برای پیو توضیح داد: اول صبح، پیو لباس نو و تمیزش را پوشید، لباسی قشنگ با دگمه های هویجی شکل! بعد با مامان و بابا رفتند نماز عید بخوانند. توی راه، همه را می دیدند که لباس نو پوشیده بودند و به هم تبریک می گفتند.



بعد از ظهر، همه فامیل دور هم جمع شدند. یک سفره بزرگ پهن کردند، پر از خرما، شیرینی، میوه و یک هویجی خوشمزه. پیو با دخترخاله اش، فسقلی موشه، کلی بازی کرد و خندید. بزرگترها هم برای هم دعا می کردند و می گفتند: «عید شما مبارک!»

وقتی شب شد و پیو خسته اما خوشحال به لانه اش برگشت، مامان خرگوشه پرسید: «خب پیو جون، نظرت در مورد عید فطر چی بود؟»

پیو در حالی که خمیازه می کشید، جواب داد: «خیلی روز قشنگی بود مامان. هم لباس نو پوشیدیم، هم نماز خواندیم، هم به دخترعموی جوجه تیغی کمک کردیم، هم با فسقلی موشه بازی کردیم. عید فطر واقعاً روز جایزه است، اما نه فقط برای شیرینی هایش... برای مهربونی هاش!»

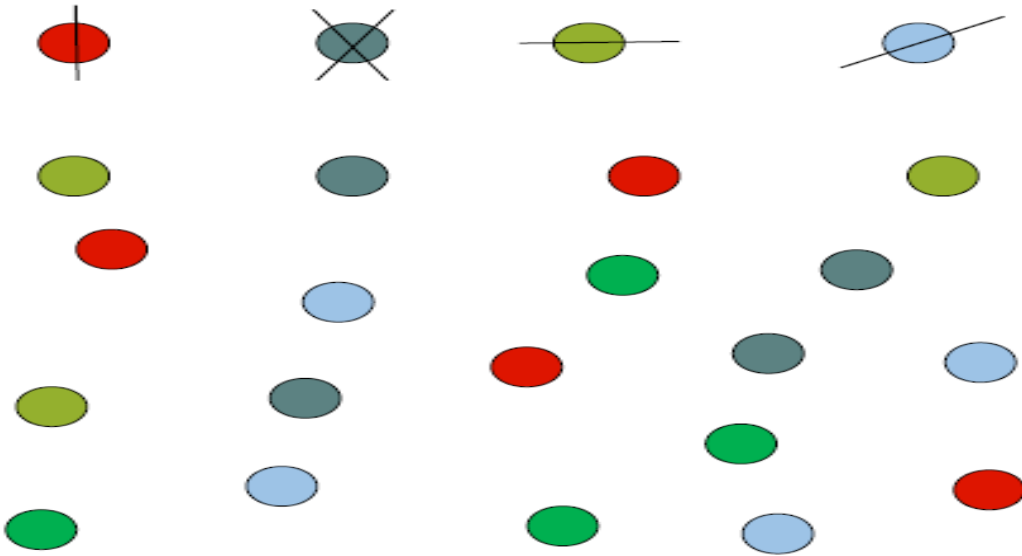
مامان خرگوشه لبخند زنان پیشانی پیو را بوسید و برایش آرزو کرد: «عید فطر مبارک دخترم! ان شاءالله همیشه مهربون باشی.»



تمرکز

گل من؛

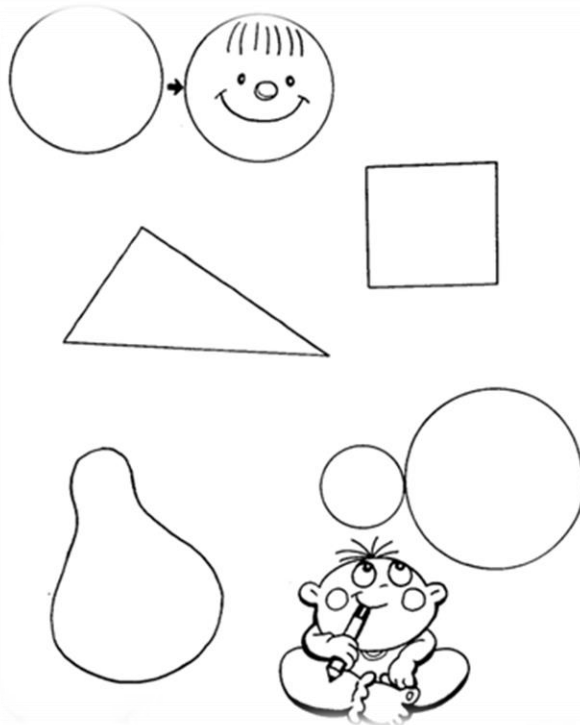
به رنگ دایره و علامت روی آن دقت کن و مانند نمونه روی دایره ها خط بکش.



نقاشی

نقاش هنرمند؛

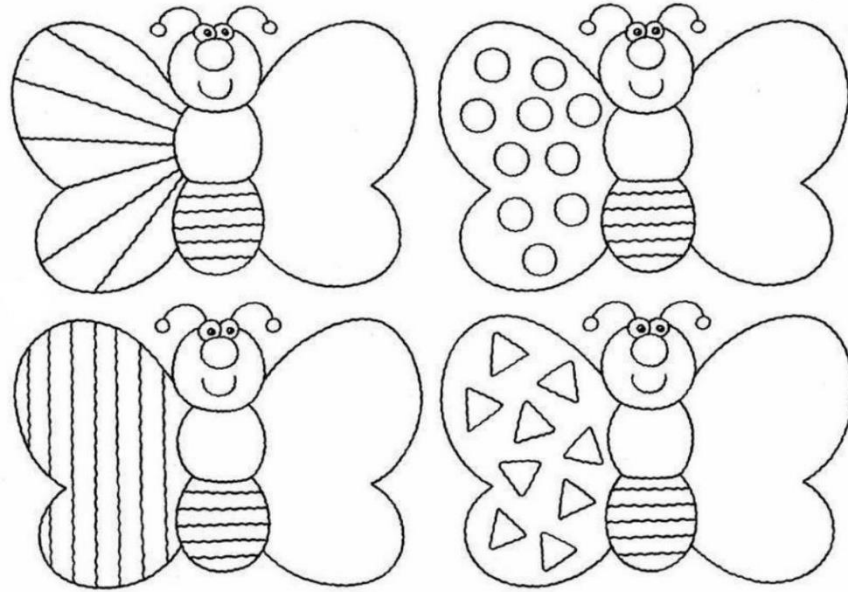
شکل های زیر را مانند نمونه به دلخواه کامل کن.



تقارن

دلبندم؛

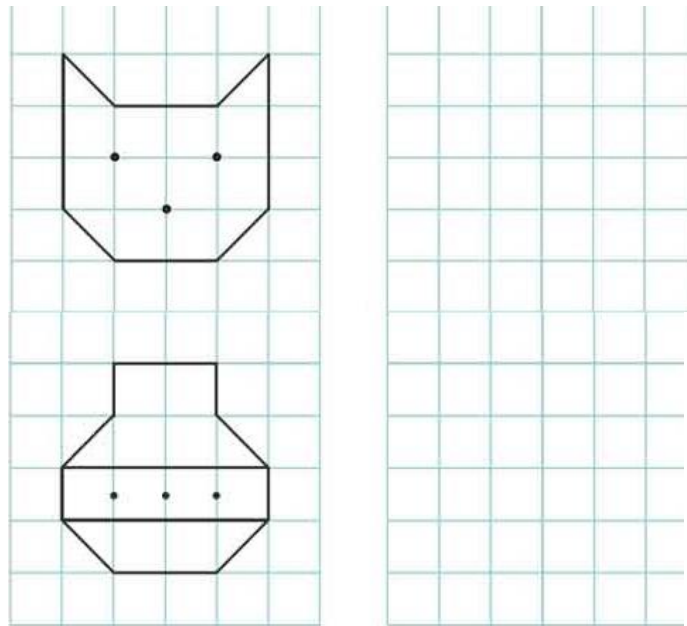
نیمه‌ی دیگر پروانه‌ها را کامل کن.



لوحة یابی

دختر توانمندم؛

شکل سمت چپ را در قسمت شطرنجی سمت راست بکش.





سال ۱۴۰۵
پیش دبستانی امام علی علیه السلام

